

نقش بازی در تربیت

پژوهشگر:

زهرا نقیب زاده^۱

چکیده:

بازی مهمترین جلوه حیات کودک است که یکی از نیازهای اساسی کودک به شمار می‌رود و در عین سرگرم کردن کودک کارکردهای مهم دیگری داراست که هریک به جنبه‌ای از زندگی کودک مربوط می‌شود و او را برای ورود به زندگی بزرگسالی آماده می‌کند. در این مقاله به روش کتابخانه‌ای با شیوه توصیفی که دارای رویکرد علمی تخصصی است به بررسی تأثیرات بازی در شخصیت کودک می‌پردازیم.

کلید واژه‌ها: اهمیت، بازی، کودک، والدین، تربیت، نیاز، تربیت دینی.

^۱ . حوزه علمیه فاطمه الزهرا (سلام الله علیها) - شیراز - طلبه سال اول - naghieb.zadeh1379@yahoo.com.

مقدمه:

امروزه روان شناسان اعتقاد دارند که برای رسیدن به مراحل بالاتر رشد باید پایه‌های اولیه رشد را جدی گرفت و اگر چنانچه اولین مراحل رشد به خوبی طی نشود، در مراحل بعدی کودک دچار اختلال خواهد شد. یکی از نیازهای مهم و اساسی کودک، نیاز به بازی است. بازی برای کودک همانند آب است برای ماهی. کودک بدون بازی نمی‌تواند به رشد متعادل و سازنده‌ای برسد. بازی شوق زیستن را در وجود کودک برمی‌انگیزد و موجب پرورش قوای جسمی، ذهنی، روانی، عاطفی و اجتماعی کودک می‌شود.

۱- تربیت

تربیت از ماده «ربو» یا «ربب» اصلش ربّ (ربب) بوده است. ربّ به معنای صاحب، مالک، تربیت و پرورش است. تربیت نیز ایجاد کردن حالتی پس از حالتی دیگر در چیزی است تا به حد تام و کمال برسد. تربیت در نگاه کلان با چند مفهوم مشابه دیگر ارتباطی وثیق و تنگاتنگ دارد، اما هرگز با آنها یکی نیست. چنانچه تربیت به مفاهیم مشابه خود تقلیل یابد، معنای واقعی‌اش را از دست خواهد داد؛ اصلاً تربیت با مفهوم «یادگیری» مرتبط و در عین حال با آن متفاوت است؛ بدین معنا که یادگیری به مسائل ناظر است که در خلال تربیت آموخته می‌شود، یا اقداماتی است که به طور جدی برای کسب مهارت‌ها، استعدادها، اوضاع یا ویژگی‌هایی که فرد از قبل دارا نبوده است، صورت می‌گیرد؛ در حالی که تربیت با آنچه که یادگیری حاوی آن است، تفاوت دارد. یادگیری نتیجه و پیامد تعلیم است. اما تربیت یاددهی نیست، بلکه نوعی درونی سازی است. (کاشانی، ۱۳۹۴، ص ۲۳).

والدینی که انتظار دارند فرزندى فعال، بصیر و مسئولیت پذیر داشته باشند ناگزیرند در «نمایش کودکانه» سهم بگیرند و «دیالوگ‌های» نمایشنامه‌ای که با انتظارات کودکان فرزندان خانواده به نگارش درآمده به خوبی حفظ و اجرا کنند. حتی در صورت لزوم سزاوار است که والدین خود را به لباس و منش کودکان بیارایند و آن گونه که پیامبر گرامی اسلام با فرزندانش حسن و حسین بازی می‌کردند. رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) نشسته بود حسین و حسن (علیه السلام) بازی وارد شدند، حضرت به احترام آنها از جا برخاست و به انتظار ایستاد. کودکان در راه رفتن ضعیف بودند. لحظاتی چند طول کشید، نرسیدند رسول اکرم به طرف کودکان پیش رفت و از آنان استقبال نمود، بغل باز کرد هر دو را بر دوش خود سوار نموده و به راه افتاد و می‌فرمود: «فرزندان عزیز، مرکب شما چه خوب مرکبی است و شما چه خوب سوارانی» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۳، ص ۲۸۶).

چنان که از سیره پیامبر اسلام نیز بر می‌آید، بازی با کودکان بخش لازم زندگی ایشان در محیط خانواده است. بازی گذشته از کارکرد تفرج و تفریح آن، کاربرد آموزش تربیتی و اخلاقی نیز دارد. از این رو به نظر می‌رسد شایسته باشد بر نقش‌های تعیین بخش خانواده در الگوهای بازی کودک و همسویی آن با ارزش‌های فرهنگی و ملی تأملی داشته باشیم. در دنیای امروز، بازی کودکان در دو

قالب عام صورت می‌گیرد: نقش بازی‌های نمایشی که در آن کودک خود بازیگر و نقش آفرین صحنه‌ها به شمار می‌آید و دیگری بازی‌های دیجیتال و بازی در نقش‌های از پیش تعیین شده را بر عهده دارند. در هر حال، قالب‌های عام بازی کودکان و راهبردهای تربیتی در این دو محیط جای بحث و بررسی دارد. (سجادی، ۱۳۹۴، صص ۹۹-۱۰۰). «فرزندت را تا هفت سالگی رها کن که بازی کن و از هفت سال به بعد ادب نما و در هفت سال سوم او را با خدا همراه کن. اگر رفتارش بهبود یافت خوب است، و گرنه امیدی برای کودک متصور نیست.» (طبرسی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۴۲۶).

۲- سوق دادن بازی به سوی ارزش‌های فرهنگی

حضرت فاطمه زهرا (علیه السلام) نیز وقتی که حسن و حسین (علیه السلام) به بازی وا می‌داشتند، با خواندن اشعاری از شباهت آنها به پیامبر و امام علی (علیه السلام) سخن می‌گفتند. بدین ترتیب ذهن کودک را به این حقیقت رهنمون می‌کردند که مشابهت با شخصیت‌های بزرگ ارزشمند است. ایشان در مصرع‌هایی دیگر از عبودیت خداوند در کنار شباهت آنان به رسول اکرم (علیه السلام) می‌سرودند و فرزندان خود را به عبادت خداوند تحریک می‌کردند. بازی ظرفیت بالایی برای آماده ساختن کودک در پذیرش نقش‌های اجتماعی، انسجام اجتماعی، قانون‌پذیری، سازمان‌بخشی و گروه‌بندی، تقویت روحیه تکاون و تکافل اجتماعی، پیش‌بینی رفتارهای اجتماعی بزرگسالی و پذیرش ارزش‌ها، هنجارها و مقررات اجتماعی دارد. از این رو، والدین می‌توانند مانند پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) و حضرت فاطمه (علیه السلام) از این ظرفیتهای نهفته در بازی بهره ببرند و جهت‌گیری سیاسی و اجتماعی کودک را آن گونه که می‌خواهند رقم بزنند. نقش والدین در بازی کودکان تنها به نظارت و هم‌بازی شدن خلاصه نمی‌شود. والدین افزون بر اینکه در بازی‌های کودکان خردسال سهم می‌گیرند بر بازی آنها نظارت کافی دارند، باید بازی‌های نمایشی یا ویدئو کامپیوتری فرزندان خود را به سوی ارزش‌های اخلاقی، انسانی، اجتماعی، فرهنگی و دینی جامعه هدایت کنند. (سجادی، ۱۳۹۴، ص ۱۰۳). حضرت پیامبر (صلی الله علیه و آله) هنگامی که امام حسین و امام حسن (علیه السلام) را بر دوش خود سوار می‌کردند.

می‌فرمودند: «شتر ما چه خوب شتری است و شما چه خوب سوارکارانی هستید و حال آنکه

پدرتان از شما بهتر است.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳، ص ۲۸۶).

۳- علت جدی نگرفتن بازی کودکان از نگاه والدین

با وجود جایگاه ویژه‌ای که بازی در تربیت کودک دارد، چرا بسیاری از والدین دل به بازی با کودک نمی‌دهند؟ در اینجا به مهم‌ترین دلایل این بی‌توجهی می‌پردازیم:

الف: ناآگاهی از ضرورت بازی

پیش از این گفتیم که بازی موجب می‌شود میان پدر و مادر و کودکان رابطه‌ی عاطفی ایجاد شود؛ اما برقراری ارتباط عاطفی، تنها فایده بازی نیست. بسیاری از قابلیت‌های کودک در بازی بروز می‌کند. کودک هنگام بازی؛ با محیط اطراف خود آشنا شده و قوانین ارتباط با این محیط یاد می‌گیرد. بازی ترس کودک را از بسیاری از کارها از بین می‌برد و به او می‌آموزد بدون کمک دیگران و با اتکا به توان خویش می‌تواند بسیاری از کارها را انجام دهد. بازی کودک را به استفاده از هوش و حافظه خویش وادار می‌دارد. او در بازی با استفاده از تجربیاتی که برایش اتفاق می‌افتد، بسیاری از مسائل مورد نیازش را یاد می‌گیرد. این یادگیری در حالی اتفاق می‌افتد که او احساس نمی‌کند به صورت رسمی تحت آموزش قرار گرفته است؛ احساسی که بسیاری از کودکان از آن فراری هستند. افزایش توان جسمی با استفاده از بازی و قوی تر شدن در مقابل بیماری‌ها است. (ولدی، ۱۳۹۳، صص ۲۹-۳۱).

ب: ناآگاهی از انواع بازی‌ها

برخی دیگر از والدین با انواع و اقسام بازی‌هایی که می‌توان در سنین نوزادی، کودکی یا نوجوانی انجام داد، آشنایی ندارند. اندک بازی موجود در ذهن والدین هم برای پر کردن وقت فرزند در طول روز به هیچ وجه کافی نیست. از همین رو والدین خیلی زود کودک را وارد وادی تلویزیون و بازی رایانه‌ای می‌کنند؛ البته باید بپذیریم که برخی از والدین به جهت اینکه بازی را غذای روح کودک نمی‌دانند، حوصله یادگیری ندارند؛ هرچند همیشه نیاز به یادگیری هم نیست؛ تنها با یادآوری دوران کودکی و بازی‌هایی که در آن دوره انجام دادیم کافی است تا زمینه بازیهای زیادی را بای کودک فراهم کنیم. (ولدی، ۱۳۹۳، ص ۳۵).

ج: بی معنا دانستن برخی از بازی ها

بسیاری از بازی‌هایی که برای ما بی معنا است، برای کودکان به شدت مهیج و جذاب است؛ مثلاً یک کودک چند ماهه از اینکه یک جغجه در دست گرفته و صدایش را در بیاورد خوشحال می‌شود. این در حالی است که بسیاری از ما بزرگترها با شنیدن صدای جغجه، اعصبمان خورد شده و وقتی جغجه آرام می‌شود، ما هم آرام می‌گیریم. برای درک روحیات کودک، باید کودک شد. باید در دنیای کودک قرار گرفت تا معنادار بودن و بی‌معنا بودن بازی‌ها را به خوبی درک کرد. زیرا برای انجام هرکاری، باید با تصور هدف و مقصد آن، انگیزه انجامش را در خود ایجاد کرد. از همین رو است که بی‌معنا دانستن یک کار، انگیزه انجام آن را از ما می‌گیرد. (ولدی، ۱۳۹۳، ص ۲۳).

د: مشارکت والدین در بازی

هم بازی شدن کودک با والدین به دو شکل انجام می‌شود. گاهی والدین به جهت اجبار و اصرار کودکان تن به بازی می‌دهند و گاهی هم با میل و رغبت این کار را می‌کنند. میل و رغبت والدین نیز به دو شکل ابراز می‌شود. گاهی کودک پیشنهاد داده و والدین با روی باز از آنها استقبال می‌کنند و گاهی هم خود والدین پیشنهاد می‌دهند. گاهی یکی از والدین در بازی با کودک مشارکت می‌کند؛ اما گاهی هر دوی آنها با کودک بازی می‌کنند و این نوع بازی را باید از تأثیر گذارترین بازی‌ها دانست.

۴- ویژگی های بازی مفید

الف: فعال و همراه با حرکت

عدم تخلیه انرژی کودک، مشکلاتی را برای او پیش می‌آورد که یکی از آنها عصبی شدن اوست. کودکی که دوست دارد خود را جنب و جوش تخلیه کند؛ اما پدر و مادر به او اجازه این کار را نمی‌دهند، مانند کسی است که بغض گلویش را گرفته؛ اما به او اجازه گریه کردن نمی‌دهند. این مسئله به شدت روی آرامش روانی و عصبی کودک تأثیر منفی دارد. یکی از اصلی‌ترین راه‌های تخلیه انرژی کودک، بازی‌های فعال است، بازی‌هایی که کودک در آن جنب و جوش‌دار و ساکن نیست. (ولدی، ۱۳۹۳، ص ۷۹) امام کاظم (علیه السلام) فرمود: «بازی‌گوشی بچه در دوران خردسالی پسندیده است،

برای اینکه در بزرگسالی بردبار شود. شایسته نیست که کودک حالتی جز این داشته باشد.»

(صدوق، ۱۳۶۹، ج ۶، ص ۵۶).

ب: بدون ترس و دغدغه

بازی در صورتی می‌تواند به خوبی نیاز کودک را برآورده کند که بدون ترس و دغدغه باشد. برخوردهای تند و خشن والدین با کودکان در هنگام بازی، این ترس و دغدغه را در وجود آنها تولید می‌کند. این برخوردها موجب می‌شود، کودکان بازی‌های مورد علاقه خود را دور از چشم والدین انجام دهند؛ اما از آنجایی که می‌دانند والدین با آنها به بهانه این بازی دعوا می‌کنند، در هنگام بازی دچار ترس و اضطراب شدید می‌شوند. این اضطراب نیز لذت بازی را از آنها می‌گیرد. کسانی که این ترس و دغدغه را در کودک تولید می‌کنند، در نگاه او دوست محسوب نمی‌شوند. کودکان با چنین افرادی میانه خوبی نداشته و از آنان فراری هستند. از سویی دیگر کودک با کسانی که زمینه بازی بدون دغدغه را برای آنان فراهم می‌کنند، رابطه خوبی داشته و آنان را دوست خود می‌دانند. (عباسی ولدی، ۱۳۹۳، ص ۹۱).

ج: افزایش تجربه

بازی باید تجربه کودکان را زیاد کند. زیاد شدن تجربه به آزمون و خطایی است که کودکان در بازی انجام می‌دهند. بازی‌های متداول بچه‌های امروز تجربه افزا نیست. در تفنگ بازی و ماشین بازی چه تجربه‌ای نهفته است؟ کودکان تجربه کردن را دوست دارند. به همین دلیل دوست دارند اسباب بازی‌هایشان را خراب کنند تا ببینند چه اتفاقی می‌افتد و آنها دوست دارند از درون اسباب بازی‌ها باخبر شوند. گاهی این پدر و مادر هستند که اجازه تجربه را به کودکان نمی‌دهند. والدین به اسم کمک کردن به فرزندشان نمی‌گذارند او اشتباه کرده و تلاش کند که اشتباهش را بیابد و آرا اصلاح کند. یکی از عوامل اصلی رشد خلاقیت، اشتباه کردن و اصلاح نمودن است. اشتباه کردن و پس از آن فکر نمودن و بع از آن هم اصلاح کردن اشتباه، لذت بازی کودک را زیاد می‌کند. (عباسی ولدی، ۱۳۹۳، ص ۱۷۵).

د: رقابتی

بازی‌های رقابتی در کنار بازی‌های مشارکتی و فردی مورد نیاز کودکان است. در بازی‌های فردی تنها خود کودک حضور دارد. پیروزی در این بازی‌ها به معنای به پایان رساندن این بازی است؛ مثل جورچین که یک بازی فردی است. در بازی‌های مشارکتی هم چند نفر باهم یک بازی را انجام می‌دهند؛ اما مشارکت آنها برای به پایان رساندن یک بازی است. افراد در این نوع بازی‌ها با هم رقابتی ندارند؛ مثل ساختن یک خانه با گل یا چوب یا قطعات پلاستیکی با مشارکت چند نفر. در اینجا پیروزی به معنای انجام دادن موفقیت آمیز این کار است. کودک به چشیدن طعم پیروزی و شکست به معنای رقابتی آ هم نیاز دارد. در بازی‌های رقابتی آن هم نیاز دارد. در بازی‌های رقابتی، کودک با یک یا چند نفر دیگر برای رسیدن به پیروزی رقابت می‌کند. پیروزی در اینجا یعنی غلبه بر دیگران است. (عباسی ولدی، ۱۳۹۳، صص ۱۸۱-۱۸۲)

بچه‌هایی که تنها به بازی‌های فردی یا مشارکتی می‌پردازند، با مفهوم شکست آشنایی پیدا نمی‌کنند. به همین دلیل هم در مواردی مجبور هستند وارد رقابت شوند، دچار مشکلات جدی می‌شوند. اصلی‌ترین مشکل این بچه‌ها نداشتن ظرفیت شکست است. شکست برای این بچه‌ها به قیمت شکست در روحیه و نشاط تمام می‌شود. اگر بچه‌ها شکست در بازی رقابتی را بچشند، آماده مواجهه با شکست در سنین بالاتر هم می‌شوند. کودکان ما اگر از همان کودکی رقابت را تجربه نکرده و در نتیجه طعم شکست را نچشیده‌اند، در سنین بالاتر ممکن است رقیبان خود را دشمنان خود بدانند؛ زیرا شکست برای این بچه‌ها شکستن روحیه‌شان بوده و عامل شکست روحی هم از نگاه انسان دشمن محسوب می‌شود. بچه‌ها در بازی‌های رقابتی یاد می‌گیرند که رقابت و رفاقت با هم قابل جمع است. ممکن است که کودکان ما در اولین بازی‌های رقابتی به جهت شکستی که از رقیب می‌خورند، ناراحت شوند؛ این ناراحتی ممکن است والدین را نگران کند. اگر به درستی با این ناراحتی‌ها برخورد شود، کودک آرام آرام آبدیده شده و قدرت مواجهه با شکست را پیدا می‌کند. (عباسی ولدی، ۱۳۹۳، ص ۱۸۳)

ه: زمینه ساز خلاقیت کودک

متأسفانه بسیاری از بازی‌های جدید که به بازار آمده، نیازمند خلاقیت نیست. به تعبیر دیگر، فکر لازم برای این بازی‌ها به وسیله دیگران انجام گرفته و نتیجه «آه دست بچه‌های ما می‌رسد. مثلاً در ماشین کنترلی، از عروسک‌های الکترونیک، چه خلاقیتی نهفته است؟ بچه‌ها در بسیاری از بازی‌های جدید تنها یک یا چند دکمه را فشار می‌دهند و از حرکتهایی که پس از فشار دادن دکمه تولید می‌شود لذت می‌برند. ما نمی‌خواهیم تمام بازی‌های جدید را زیر سوال ببریم. اتفاقاً در همین ابزارهای جدید، اسباب بازی‌هایی وجود دارد که خلاقیت و تفکر بچه‌ها را به کار می‌اندازد؛ مثل قطعه‌های پلاستیکی که با پیچ بهم متصل شده‌اند و قابلیت ساختن شکل‌های مختلف را پیدا می‌کند. این نوع بازی، تفکر و خلاقیت کودک را فعال می‌کند. کودک وقتی مشغول این بازی می‌شود، فکر خود را به کار می‌اندازد تا بتواند شکل مورد علاقه خودش را بسازد. یکی از دلایل گرایش والدین برای خرید بازی‌های جدید، تمیز بودن آنها است. یک ماشین کنترلی، ریخت و پاش ندارد؛ اما این آجرهای پلاستیکی که با آنها، انواع و اقسام شکل‌ها را می‌سازند، فضای خانه را به هم می‌ریزد و به همین دلیل هم نیازمند حوصله است. (عباسی ولدی، ۱۳۹۳، ص ۱۰۹).

و: نتیجه بخش بودن بازی

کودک در بازی‌هایش از همان ابتدا، اهدافی را دنبال می‌کند. اولین بازی‌هایی که کودکان انجام می‌دهند از نگاه ما چندان نتیجه‌ای در پی ندارند؛ اما برای کودک هدفدار است. مثلاً وقتی کودکی چند ماهه با وسیله‌ای که در مقابلش قرار دارد، بازی می‌کند آن را می‌گیرد و رها می‌کند یا آن را در دهانش می‌کند و می‌مکد، در ظاهر نتیجه‌ای ندارد؛ اما همین کارها، علاوه بر سرگرم کردن، حس کنجکاوی او را ارضا می‌کند. هر اندازه کودک بزرگتر می‌شود نتیجه بخش بودن بازی‌هایشان مهم‌تر می‌شود. مقصود ما از نتیجه بخش بودن آن است که پس از تمام شدن بازی اتفاقی بیفتد که کودک در آن اتفاق به صورت واقعی نه کاذب ببیند. نتیجه هر بازی می‌تواند به بزرگ شدن شخصیت کودک کمک کند از طرفی اگر نتایج بازی‌ها حادقلی یا کاذب باشد شخصیت کودک را کوچک نگه می‌دارد. (عباسی ولدی، ۱۳۹۳، ص ۱۲۳).

۵- انواع بازی

(۱) بازی جسمی: از قدیمی‌ترین نوع بازیها است، به ابزار مخصوص نیازمند است، هم به صورت فردی هم به صورت گروهی انجام می‌شود.

(۲) بازی نمایشی: کودک در تقلید از بزرگترها از لباس و وسایل مخصوص آنها استفاده می‌کند مانند پسری که کت پدر را بر تن کرده و یا دختر بچه‌ای که کفش پاشنه‌دار مادر را پوشیده و به زحمت راه می‌رود.

(۳) بازی تقلیدی: کودک به تقلید نقش‌هایی می‌پردازد که آنها را باور کرده است، معمولاً بهترین شخصیت‌ها برای شروع ایفای نقش، والدین، برادران، خواهران و دوستان هستند.

(۴) بازی نمادین: کودک نیازها و آرزوهای خود را با استفاده از وسایل نمادین و از طریق بازی بیان می‌کند. برای مثال: کودک بر تکه چوبی سوار شده و این طرف و آن طرف می‌رود. مانند اینکه سوار بر اسبی شده و آنرا هدایت می‌کند.

(۵) بازی آموزشی: مهمترین وسیله آموزش کودک استفاده از وسایل مناسب است مانند مکعب‌های چوبی که کودک با جور کردن و دسته بندی آن‌ها می‌تواند با مسائل اساسی اما ساده و آسان ریاضی آشنا شود.

۶- نقش بازی در رشد اجتماعی

الف: موجب ارتباط کودک با محیط بیرون می‌شود و دنیای اجتماعی او را گسترش می‌دهد.

ب: رقابت را می‌آموزد و شکست را به طور واقعی تجربه می‌کند.

ج: موجب شکوفایی استعداد های نهفته و بروز خلاقیت می‌شود.

د: با رعایت اصول و مقررات آشنا می‌شود.

ه: حمایت از افراد ضعیف را می‌آموزد.

و: همانند سازی با بزرگسال را می آموزد.

ز: همکاری، همیاری و مشارکت کودک توسعه می یابد.

ح: قدرت ابراز وجود پیدا می کند و از ترس، کمرویی و خجالت بیهوده رها می شود.

پیامبر(صل الله علیه و آله) می فرمایند: «شیطن و لجاجت کودک به هنگام خردسالی، نشانه

زیادی عقل و اندیشه او در بزرگسالی است.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴، ص ۳۷۸).

۷- بازی با کودکان در روایات

پیامبر زبان خود را برای حسن و حسین بیرون می آورد و همین که چشم کودک به زبان پیامبر می افتاد به طرف او می دوید. مردی به نام عبینه بن بدر فزاری (که مشاهده این شیرین کاری پیامبر نسبت به حسنین بود) از روی شگفتی گفت: به خدا سوگند! پسر مرد گشته و بر صورتش مو رسته، با این حال تاکنون حتی برای یک بار هم او را نبوسیده ام، پیامبر که از سنگ دلی عبینه سخت در شگرف بود، فرمود: «هر که لطف و مهر نشان ندهد مورد مهر و رحمت قرار نمی گیرد.» (ورام، ۱۳۶۹، ص ۸۰..)

از امیر مؤمنان علی (علیه السلام) نقل شد است که فرمود:

«روزی حسن (علیه السلام) و حسین (علیه السلام) نزد پیامبر(صلی الله علیه و آله) با هم کشتی می گرفتند. پیامبر(صلی الله علیه و آله) فرمود: حسن بجنب! عرض کردم، ای رسول خدا بزرگ تر را بر علیه کوچکتر تشویق می کنی! پیامبر فرمود: جبرئیل می گوید: حسین بجنب! و من می گویم حسن بجنب!» (مجلسی، ۱۴۰۳، ص ۵۵، ج ۴۳).

۸- تقسیم بازی ها بر اساس شکل گیری توانمندی ها

مرحله شکل گیری توانمندی ها

الف: صدا در آوردن

شنیدن و دیدن، اولین توانمندی‌های کودک است که به ظهور می‌رسد. در این دوره بازی به معنای حرکتی آن برای کودک معنایی ندارد؛ اما بازی‌هایی که کودک از طریق شنیدن و دیدن از آن لذت می‌برد، برای او مفید است. بچه ها از همان هفته اول نخستین زندگی نیازمند بازی هستند؛ اما بازی با نوزاد خیلی ساده و پیش پا افتاده است. شاید ما و حتی کودکان هیچ حسی به این بازی‌ها نگیریم؛ اما برای نوزادان جذاب است. یکی از این بازی‌ها صدا درآوردن است. کودک از شنیدن صدای برخورد دو چیز با هم لذت می‌برد؛ البته نباید این صدا به این گونه باشد که او وحشت کند. مثلاً بهم خوردن دو لیوان پلاستیکی برای نوزادان جذاب است؛ اما بهم خوردن دو قابلمه برای او ترسناک است. صداهایی هم که والدین با دهانشان ایجاد می‌کنند، برای کودک جالب است. (عباسی ولدی، ۱۳۹۳، ص ۲۳)

ب: پنهان کردن و نشان دادن

صورت خود را پشت دستانتان یا پشت کسی مخفی کنید بعد هم با صدایی که ترسناک نباشد، خود را ظاهر کنید. پشت کسی که نوزاد را بغل کرده مخفی شوید. یک بار از سمت چپ خود را نشان دهید. وقتی نوزاد به شما نگاه کرد، دوباره پشت آن فرد مخفی شده و خود را از سمت راست ظاهر کنید. این کار را چند بار تکرار کنید. گاهی هم خود را ا دید نوزاد پنهان کرده و او را صدا بزنید. در این هنگام کودک به دنبال صدا می‌گردد تا شما را پیدا کند. وقتی شما را پیدا کرد، جایتان را عوض کرده و دوباره او را بزنید. اگر کودک با اولین صدا شما را پیدا نکرد، صدا زدن را چند بار تکرار کنید. اگر باز هم شما را پیدا نکرد، خودتان را به او نشان بدهید؛ زیرا ممکن است با صدا و پیدا نکردن صاحب آن دچار وحشت شود. این بازی هماهنگی میان قوه شنوای و بینایی کودک را تقویت می‌کند. (عباسی ولدی، ۱۳۹۳، صص ۲۵-۲۶).

۹- دوره کامل شدن توانمندی

الف: نقاشی در هوا

با انگشت اشاره خود یک عکس در هوا کشیده و از کودک خود بخواهید حدس بزند که چه عکسی است. اگر این بازی با چند نفر انجام بگیرد کسی که زودتر حدس زده است برنده است.

ب: پیر بغلم

کودک را در یک بلندی بگذارید. ارتفاع مناسبی را تناسب با سن کودک انتخاب کنید. این ارتفاع می‌تواند یک چهارپایه کوچک، مبل، کابینت، تخت و... باشد. حالا آغوش خود را باز کنید و به کودک بگویید که بپرد و او را ببوسید. در آغوش کشیدن کودک پس از پریدن، رابطه عاطفی او با والدین را زیاد می‌کند. همچنین جسارت کودک با این بازی بالا رفته و ترس او کم می‌شود.

ج: کلاغ پر

در این بازی باید حداقل دو نفر حضور داشته باشند؛ اما تعداد بیشتر شرکت کنندگان به جذابیت بازی کمک می‌کند. افراد انگشت اشاره خود را روی زمین در کنار هم می‌گذارند. یک نفر به عنوان رئیس، نام برخی موجودات را می‌برد. هر یک از این موجودات اگر پرنده بود، افراد انگشت اشاره خود را باید از زمین بلند کرده و همزمان همزمان کلمه «پر» را بگویند؛ اما اگر آن موجود پر نداشت، باید ساکت مانده و انگشتشان را از روی زمین بلند نکنند. اگر مثلاً رئیس نام روباه را بر دو کسی دستش را بلند کرد، به اصطلاح می‌سوزد و باید همه این شعر را بخوانند: «روباه که پر نمی‌زنه، بالاشو بهم نمی‌زنه» برای جذاب شدن بازی باید به هنگام شنیدن نام یک پرنده دست را حسابی بالا برده و کلمه پر را بکشیم. کلاغ پر برای بچه‌هایی که توانایی ادا کردن چند کلمه را بیشتر ندارند هم جذاب است. آنها همین که انگشتشان را زمین گذاشته و به همراه دیگران بالا می‌برند، احساس خوبی پیدا می‌کنند. در این بازی قدرت تمرکز کودک را بالا برده و توانایی او را در جهت هماهنگ کردن شنوایی و حرکات بدنی افزایش می‌دهد.

د: مواظب باش نیوفته

یک میوه مثل سیب یا پرتقال را در یک قاشق بگذارید. بچه‌ها باید از یک سمت اتاق به سمت دیگر بروند، بدون اینکه میوه‌ها از قاشق بیوفتد. هر کسی زودتر به خط پایان رسید و میوه‌اش نیوفتاد، برنده است. میوه‌ها به اندازه‌ای باشد که کف قاشق جای گیرند. این بازی در محیط‌های باز با هیجان بیشتری می‌شود انجام داد؛ زیرا مسیر مسابقه طولانی‌تر می‌شود. این بازی قدرت تعادل برقرار کردن کودک میان اعضای بدن خود و اشیا خارجی را زیاد می‌کند.

ه: چشم بسته به دنبال کسی گشتن

چشم یکی از افراد را ببندید. دیگران باید در اطراف این فرد در یک محدوده مشخص در حالی که جمله ای را با صدای بلند می‌گویند، این طرف و آن طرف بروند. فردی هم که چشمانش بسته است، در حالی که دستانش را به سمت جلو گرفته، باید این افراد را پیدا کرده و با دست لمسشان کند. هرکسی که لمس شود می‌بازد و باید چشمش بسته شود. افرادی که چشمشان باز است، باید مراقب باشند تا به جایی برخورد نکنند. تقویت حس شنوایی از فواید این بازی است.

و: نمایش

خودتان یک نمایشنامه طراحی کرده و همه اعضای خانواده را در آن شرکت دهید؛ مثلاً مادر، بچه، دختر، پدر. مادر یک قندان در مقابلش گذاشته و شروع به خوردن کند؛ البته ادای خوردن را در بیاورد. دختر که در نمایش است مادر است، باید بگوید: «دخترم قند نخور» و دختر نمایش هم به حرف مادر گوش نکند. چند دقیقه بعد دختر نمایش دستش را روی صورتش گذاشته و شروع به گریه کردن بکند. مادر نمایش کمی دخترش را نصیحت می‌کند و بعد دستش را می‌گیرد و به دکتر می‌برد و... با این بازی بسیاری از مفاهیم تربیتی را به صورت کاملاً جذاب می‌توانید به کودکان آموزش بدهید.

۱۰- انواع بازی در سیره عملی و روایی اهل بیت (علیه السلام)

الف: خاک بازی

جایگاه این بازی برای کودکان آن چنان است که پیامبر (صلی الله علیه و آله) یکی از دلایل علایقه خود نسبت به کودکان را همین دلیل می‌دانند. (کلینی، ۱۳۹۲، ج ۶، ص ۵۰) و به والدین سفارش می‌کنند ممانع خاک بازی کودکان نشوند. (www.pmbo.ir.com)

ب: آب بازی

این بازی نیز مانند خاک بازی چنان ارزشی دارد که از آن به عنوان بهترین تفریح برای مؤمن (متقی هندی، ۱۴۰۱، ج ۱۵، ص ۶۲۷) یاد شده و محبوبترین تفریح نزد خداوند است. (متقی هندی، ۱۴۰۱، ج ۴، ص ۳۴) از همین رو پیامبر (صلی الله علیه و آله) سفارش فرموده اند به فرزندان شنا یاد بدهید. (کلینی، ۱۳۹۲، ج ۶، ص ۷۲) و آن را از حقوق فرزند بر پدر دانسته‌اند. (متقی هندی، ۱۴۰۱، ج ۱۶، ص ۳۳) بر طبق روایات اهمیت این بازی از خاک بازی هم بالاتر است، چرا که هم جنبه تفریحی دارد هم جنبه کاربردی در زندگی افراد دارد.

ج: بازی های کلامی و فکری

هنگامی که امام حسن و امام حسین (علیه السلام) کودکان خردسالی بودند، حضرت زهرا (سلام الله علیها) برای آنان شعر می‌خواندند و با آنان بازی می‌کردند؛ این شعرها که در دنیای کودکی و همراه با بازی به فرزندان گفته می‌شد؛ پیامها و ارزش‌هایی به همراه داشت؛ از جمله یکی از این اشعار این شعر بوده است: «پسرم، حسن جان! تو همانند پدرت باش، کاری کن که بتوانی از دین حق، قید و بندها را رها کنی، خدایی را پرستش کن که با نعمتهای فراوانش در گوشه گوشه زندگی، بر ما منت دارد، پسرم با کینه توزان و دشمنان دین خدا دوستی مکن.» (مجلسی، ۱۳۹۲، ج ۴۳، ص ۳۴)

بازی دیگری که از امام صادق (صلی الله علیه و آله) در زمان کودکی نقل شده است، طرح معما در قالب استاد - شاگردی بود؛ به این صورت که ایشان نقش استاد را بازی می‌کردند و معمایی طرح

می نمودند. اگر کسی به پاسخ می داد، جای ایشان استاد می شد و معما طرح می کرد و بازی به همین شکل ادامه پیدا می کرد، همچنین در بازی دیگری که به شکل استاد_شاگرد انجام می شد این گونه بود که امام صادق (صلی الله علیه و آله) که نقش استاد را بازی می کردند کلمه ای برای شاگرد بیان می کردند، شاگرد باید این کلمه را پشت سرهم بیان می کرد؛ استاد نیز کلمات مترادف با معنی یا بی معنی را همزمان با صدای بلند بیان می نمود تا حواس شاگرد را پرت نماید. اگر شاگرد کلمات را اشتباه به صورت جا به جا می گفت از دور بازی حذف می شد و شاگرد دیگری به جای او می آمد. (مرکز مطالعات فرانسه، ۱۳۵۸، ص ۱۲).

د: سواری دادن و اسب سواری

با مطالعه سیره اهل بیت (علیه السلام) می توان چنین استنباط نمود که یکی از بازیهای مورد علاقه کودکان سواری گرفتن است. در سیره زندگی پیامبر (صلی الله علیه و آله) آمده که ایشان نقش مرکب و یا شتر را بازی می کردند و به حسنین سواری می دادند. (مجلسی، ۱۳۹۲، ج ۳۷، ص ۲۵).

پیامبر (صلی الله علیه و آله) حتی برای کودکان دیگر هم این بازی را انجام میدادند و آنها را بر دوش خود سوار می نمودند. (جلالی شاهرودی، قرن ۱۴، ص ۱۲۸). علاقه حسنین به این بازی آنقدر بود که حتی در وقت نماز و در وقت سجده بر دوش پیامبر (صلی الله علیه و آله) می رفتند و پیامبر نیز مانع از پایین ایشان نمی شدند. (نوری، ۱۳۶۸، ج ۳، ص ۷۸). همچنین امام حسین (علیه السلام) د بازی با صحابه پیامبر (صلی الله علیه و آله) کولی سواری را به عنوان پاداشی رقابتی قرار داده بودند. (مجلسی، ۱۳۹۲، ج ۱۰۴، ص ۲۱۱). علاقه کودکان به آن بازی را می توان در زمانی که بزرگ شدند توانایی لازم را پیدا نمودند به نحو دیگری که آن نیز مورد تایید روایات است، یعنی از طریق آموزش اسب سواری، هدایت نمود. به دلیل اهمیت اسب سواری در قرآن کریم از تعبیر زینت، برای معرفی این بازی استفاده شده است. (نحل، ۸)

پیامبر (صلی الله علیه و آله) آموزش اسب دوانی را به فرزندان سفارش می نمودند و خود مسابقات اسب دوانی ترتیب داده و جایزه آن را از مال خویش قرار داده بودند (عاملی، بی تا، ۸۱، ص ۱۳).

نتیجه گیری:

دانستیم که بازی یکی از نیازهای ضروری فرزندان است و مانند آزادی یک نیاز حقیقی بوده و زیاده طلبی به شمار نمی آید. بازی کودک را به استفاده از هوش و حافظه وامی دارد. بسیاری از مشکلات تربیتی فرزندان ما به دلیل عدم مدیریت صحیح در پاسخ گویی به نیاز بازی است. بازی به رشد و شکل گیری شخصیت کودک کمک شایانی می کند و والدین سهم به سزای در انتخاب و نحوه انجام بازی دارند. بازی ظرفیت بالایی برای آماده ساختن کودک در پذیرش نقش های اجتماعی، قانون پذیری و تقویت روحیه تکاون و تکافل اجتماعی دارد.

بسیاری از دلایل باعث می شوند که والدین بازی کودکان را جدی نگیرند، از جمله: ناآگاهی از انواع بازی، ناآگاهی از ضرورت بازی، عدم مشارکت والدین در بازی، بی معنا دانستن برخی از بازی ها. بازی مفید بازی است که همراه سری ویژگی هایی باشد که در صورت عدم وجود آنها بازی مثر ثمر نیست. از جمله: فعال و همراه با حرکت بودن بازی، زمینه ساز خلاقیت باشد، نتیجه بخش باشد. در هر سن کودک باید بازی متناسب با سن وی انجام گیرد و بالای سن یا زیر سن وی با او بازی نشود. زیرا همان گونه که بازی می تواند مفید باشد در صورت اشتباه بودن و ناآگاهی می تواند مضر باشد.

فهرست منابع:

* قرآن کریم

الف: کتب فارسی

۱. عباسی ولدی، محسن، ۱۳۹۳.ش، *من دیگر ما*، ج ۴، چاپ پنجم، قم، انتشارات جامعه الزهرا (علیها السلام).

۲. _____، ۱۳۹۶.ش، *بازی بازوی تربیت*، قم، انتشارات آین فطرت.

۳. سجادی، ابوالفضل، کوشا، غلام حیدر، ۱۳۹۴.ش، *روشهای تربیت اجتماعی در خانواده و شاخص های آن*، چاپ اول، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (رحمه الله علیه).

۴. مرکز مطالعات اسلامی استانبورگ فرانسه، ۱۳۵۸.ش، *مغز متفکر جهان شیعه امام جعفر صادق (صلی الله علیه و آله)*، ترجمه ذ.ا. منصوری، تهران: سازمان انتشارات بدرقه جاویدان، قم، دارالحديث.

۵. شاهرودی، جلالی، م. ج، ۱۳۶۸.ش، *الاجبار فی نفایس الآثار و مکارم الاخلاق و کلمات الائمة الاطهار*، نوری، مستدرک الوسائل و مسبتط المسائل، ج ۲، قم، آل بیت.

ب: کتب عربی

۱. حر عاملی، محمد بن حسین، بی تا، *وسائل الشیعه*، ج ۳، تهران: چاپ المکتب الاسلامیه.

۲. طبرسی، حسن، *مکارم الاخلاق*، ترجمه: میر باقری، جلد ۱، مشهد، ناشر: آستان قدس رضوی.

۳. کلینی، محمد، ۱۳۹۲ ه.ش، *اصول کافی*، ترجمه: احمد بانیپور، ج ۶، تهران، راز توکل.

۴. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ ه.ق، *بحارالانوار*، ج ۳، بی جا: انتشارات الوفا.

۵. متقی هندی، ۱۴۰۱ ه.ق، *کنز العمال فی الستن الاقوال و الافعال*، ج ۱۶، ۱۵، ۱۰، ۴، بیروت: مؤسسه الرساله.

۶. ورام، مسعود بن عیسی، مجموعه ورام: *آداب اخلاق در اسلام*، ۱۳۶۳ ه.ش، ترجمه: رضا عطایی، تهران: بنیاد پژوهش های اسلامی.

ج.سایت ها:

۱-www.pmbo.ir.com. ۱۳۹۸/۲/۱۶ □ ۲۰:۰۰